

سلاح‌های هسته‌ای و استراتژی آمریکا از منظر روزنامه واشنگتن پست در دوران خاتمی

دکتر محمدرحیم عیوضی*

فرزانه صیفوری**

چکیده

هنگامی که صحبت از تلاش اتحادیه اروپا برای برقراری روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران در پرتو توسعه ارتباطات سیاسی به میان آمد، بسیاری از تحلیل‌گران این امر را نشانه‌ای از استقلال اروپا از آمریکا و اتخاذ رهیافت‌هایی اصولی‌تر از سوی این اتحادیه دانستند. هر چند در رقابت و چالش اروپا با ایالات متحده در بسیاری از جوانب، تردیدی وجود ندارد، اما دقت و موشکافی در نوع عملکرد این دو بازیگر مهم جهانی در قبال جمهوری اسلامی، حقیقت یک روح در دو بدن را به ذهن متبادر می‌نماید. تاکید اتحادیه اروپا بر اهمیت موضوع حقوق بشر و پافشاری بر مباحث آن، هنگام طرح مسائل اقتصادی یا سیاسی، نشان از این واقعیت داشت و ایالات متحده مباحثی چون توسعه سلاح‌های کشتار جمعی، بحث نیروگاه اتمی بوشهر، اتهام فعالیت‌های مخفی

* دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

هسته‌ای ایران به منظور دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی را به شکلی کاملاً
مدون و برنامه‌ریزی شده دنبال می‌کنند.

واژگان کلیدی: سلاح‌های هسته‌ای، استراتژی، ایران، آمریکا، روزنامه
واشنگتن پست

مقدمه

از جمله استراتژی‌های ایالات متحده آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران، مسئله توسعه تسلیحات کشتار جمعی در کنار مولفه‌های مبارزه با تروریسم، وضعیت صلح خاورمیانه و حقوق بشر، چهار رکن اساسی تقابل ایالات متحده با ایران را به عنوان عوامل فشار تشکیل می‌دهد. بر این اساس، آمریکاییان همواره نگرانی خویش را از آنچه که تاکنون تحت تداوم حرکت ایران به سمت توسعه سلاح‌های کشتار جمعی واقعی و موشک‌های بالستیک می‌نامند، ابراز کرده‌اند. به اعتقاد آنان، تلاش‌های مخفیانه برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی، به رغم کنوانسیون‌های بین‌المللی عدم تکثیر این سلاح‌ها، از سوی ایران همچنان ادامه دارد و معتقدند تلاش‌های ایران در توسعه تسلیحات انهدام جمعی می‌تواند ایران را به انهدام تل آویو و در درازمدت به انهدام شیکاگو و آتلانتا قادر سازد. (جفری آر، 1995، ش 32346) و به لحاظ اهمیت این مسئله می‌خواهیم ابتدا موضع‌گیری روزنامه‌ی واشنگتن پست و سپس روزنامه‌ی نیویورک تایمز را بررسی نماییم.

سلاح‌های هسته‌ای و موضع‌گیری واشنگتن پست

مسئله «تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی»، همواره از ادعاهایی بوده که از سوی دشمنان انقلاب و در کنار مواردی همچون «نقض حقوق بشر» و «کمک به گروه‌های آزادی‌بخش» در طی سالیان سال تکرار شده است. در تحقیقی که توسط «مرکز مطالعات کنترل تسلیحات هسته‌ای» - که بخشی از بودجه‌اش را وزارت دفاع تامین می‌کند - انجام شد، آمده است که مذاکره آمریکا با ایران در خصوص

فعالیت‌های هسته‌ای به مثابه شکستی برای خود تلقی می‌شود. باید گفت سه گزینه فراروی فعالیت هسته‌ای ایران قرار دارد، که عبارتند از:

- 1- چشم‌پوشی نکردن از حق حاکمیت ایران در مسئله غنی‌سازی اورانیوم؛
- 2- مشارکت اروپا و آمریکا در عملیات غنی‌سازی اورانیوم در داخل ایران؛
- 3- پذیرش توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم در مقابل پایبندی کشورهای دخیل در این پرونده به ربط ندادن مصرف سوخت هسته‌ای به مسائل سیاسی که مورد حمایت واشنگتن هم هست.

یکی از اختلافات موجود بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بر سر موضوع تعریف گسترده غنی‌سازی اورانیوم است. در حالی که آژانس از ایران می‌خواهد که «کلیه» فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی را متوقف کند ایران می‌گوید که طبق پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق دارد که برای مقاصد صلح‌آمیز، اورانیوم را غنی کند؛ ولی در قطعنامه اخیر آژانس بین‌المللی، این حق از ایران، سلب شده است. از این رو، از نظر دولت ایران این اقدامی کاملاً غیرقانونی است؛ ولی به نظر می‌رسد که کسی به استدلالات ایران توجهی ندارد.

برای جامع‌تر شدن موضوع، ابتدا پیرامون سلاح‌های هسته‌ای و اتهاماتی که دولت آمریکا به ایران وارد ساخته است، موارد بسیاری را می‌توانیم از روزنامه واشنگتن‌پست نقل کنیم؛ برای مثال، در یکی از مقالات روزنامه واشنگتن‌پست آمده است: از آنجایی که اوکراین دارای یک پروژه مشترک غیرنظامی هواپیماسازی با ایران است، مقام‌های آمریکایی می‌گویند این می‌تواند به عنوان سرپوشی برای تهیه مواد هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد و در نقطه مقابل هم می‌نویسد: تلاش‌های مداوم ایران برای دستیابی به تکنولوژی غنی‌سازی و مواد مربوط به آن، حاکی از آن است که این کشور نمی‌تواند این مواد را در بازار سیاه بین‌المللی - یعنی کوتاه‌ترین راه برای ساخت یک بمب - خریداری کند یا به سرقت ببرد. (دوبس، 2001، ش 61570)

در مقاله دیگری واشنگتن پست می‌نویسد: آمریکا ایران را متهم و محکوم می‌کند که در تلاش برای تولید تسلیحات هسته‌ای است: در سال 1992 گزارش‌های نادرستی وجود داشت مبنی بر اینکه ایران تسلیحات اتمی از قزاقستان خریداری کرده (پینکوس، 2001، ش 54324) و... همچنین روزنامه واشنگتن پست در جای دیگر می‌نویسد: آنها در گذشته از تروریست‌ها حمایت کرده‌اند و در حال حاضر، جویای سلاح‌های هسته‌ای، گازهای سمی یا ابزارها و وسایل به راه انداختن جنگ‌های میکروبی هستند یا چنین سلاح‌ها و لوازمی را به دست آورده‌اند. آنها آشکارا دشمن ایالات متحده و ارزش‌های دموکراسی و آزادی هستند. هواداران حکومت الهی به نحو خطرناکی در شرف دستیابی به کارآیی هسته‌ای هستند و جالب آن است که در نقطه مقابل می‌نویسد: حمایت از بوش چندان مفید نمی‌باشد. (نویسنده نامعلوم، 2002، ش 64631) حال با توجه به حساسیت آمریکا نسبت به انرژی هسته‌ای ایران و همکاری روسیه با ایران در بحث هسته‌ای از منظر واشنگتن پست می‌پردازیم:

عملکرد آمریکا در قبال همکاری رآکتورهای هسته‌ای روسیه با ایران

هنگامی که وادیم وروبی برای نخستین بار در سال 1996 به ایران سفر کرد، از مشاهده متخصصان خارجی امور موشکی که آشکارا در تهران رفت و آمد می‌کردند یکه خورد. اکثر این اشخاص همچون خود وی، در زمینه تکنولوژی افرادی پیش‌کسوت و برجسته‌اند. آنان در شوروی سابق مشغول به کار بودند که پس از فروپاشی کمونیسم، موقعیت خود را از دست داده‌اند و اینک در پی عرضه دانش و مهارت خود به بالاترین پیشنهاد دهندگان (خریداران) هستند. علاوه بر این، می‌نویسد: از این دیدگاه، ایران کشوری ناقض قوانین بین‌المللی تلقی می‌شود که در پی دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی و حمایت مالی از تروریسم جهانی است و در ادامه اینکه، بنا بر گفته کلاید والکر، رئیس بخش دفاعی مرکز اطلاعات موشکی و فضایی درهانتومل آلا، ایران

مسیر بنیادی و اساسی‌تر را در پیش گرفته است. وی می‌افزاید: ایران بدان جهت که در جنگ با عراق در سالهای 1980 و 1988 شکست خورد، به این زمینه یعنی ساختن موشک‌های دوربرد روی آورد؛ علاوه بر آن، ایرانی‌ها در حال پی‌ریزی تاسیسات زیربنایی هستند و تا هنگامی که به سیستم‌های معتبر جهانی دست یابند به راه خود ادامه می‌دهند. (دوبس، 2001، ش 64815) جالب اینجاست که خود واشنگتن‌پست در پاسخ به این مسئله در مقاله دیگری می‌نویسد: سلاح‌های شیمیایی که دقیقاً خود آمریکا به عراق داده بود در جنگ با ایران در سالهای 1980-1988 مورد استفاده قرار گرفت و ظاهراً تاثیر کارسازی بر نتیجه جنگ داشت و این کار از شکست عراق به دست ارتش به مراتب بزرگتر ایران جلوگیری کرد. چرا که عراق با جمعیت 24 میلیونی کمتر از جمعیت 64 میلیونی ایران که عراق فقط در چالشی از آن قرار داشت و فقط به کمک تجهیزات نظامی متعارف و با استفاده‌ی ارتشش از جنگ‌افزارهای شیمیایی برای متصاعد ساختن گازهای سمی و کشتار موج‌های انسانی، نیروهای ایرانی جوان و فاقد پشتیبانی کافی، دائماً خود را از مغلوب شدن نجات بخشید (رالف ایکوس، 2003، ش 72563) و ما خود نیز می‌گوییم: نه تنها ایران با این همه سختی‌ها و مشکلات ناشی از عدم پشتیبانی و وسایل و امکانات جمعی، بازنده و شکست خورده نبود بلکه برنده نیز بود؛ چرا که هدف کشور ایران دفاع بود و جنگ نیز به طور کلی به نفع هیچ کدام از طرفین به اتمام نرسید.

حال واشنگتن‌پست در مقاله دیگری می‌نویسد: جورج بوش به مسکو می‌رود و قصد دارد به جای مناقشه با روسیه به همکاری با آن کشور پرداخته و درباره انتقال تسلیحات به ایران، اقداماتی انجام داده و از پوتین بخواهد که انتقال تخصص هسته‌ای و فناوری موشک بالستیک را به ایران متوقف سازد. (پیتر سیلون، 2002، ش 65881)

واشنگتن‌پست در ادامه می‌نویسد: در ظرف یک سال آینده، آمریکا و اسرائیل یا باید به نیروگاه هسته‌ای ایران حمله کنند یا در برابر تبدیل شدن آن به یک کشور هسته‌ای

تسلیم شوند و همانطور که این نیروگاه در حال تکمیل شدن است، به عنوان آزمایشی برای دکتترین جدید دولت بوش جهت جلوگیری از تهدیدها علیه امنیت ملی آمریکا نیز خودنمایی می‌کند. علاوه بر آن، واشنگتن پست می‌نویسد: این مسئله نشانه پیچیدگی اجرای یک سیاست پیشگیرانه است.

در متنی دیگر از مقاله‌ی واشنگتن پست آمده است: یک حمله پیشگیرانه چه اثری بر روابط آمریکا و مسکو خواهد داشت؟ و از بین بردن یک نیروگاه هسته‌ای غیرنظامی چه اثری در برنامه پنهانی توسعه سلاح‌های هسته‌ای ایران، که منابع اطلاعاتی آمریکا می‌گویند در ده‌ها مکان نامشخص در سراسر کشور در جریان است، خواهد داشت؟ و مهم‌تر از همه، نتایج این اقدام که تقریباً به طور مطمئن از نظر ایران به عنوان یک اقدام جنگی تلقی خواهد شد، چیست؟ (وانا پرست، 2002، ش 66956)

علاوه بر آن، در همین مقاله واشنگتن پست می‌خوانیم: بوش ایران را به عنوان بخشی از محور شرارت نامیده است و بعضی از مقام‌های دفاعی آمریکا استدلال می‌کنند که بوشهر قبل از دریافت اولین محموله سوخت از روسیه، باید نابود شود و اسرائیل نیروگاه بوشهر را به عنوان تهدیدی برای خود تلقی می‌کند. آنتونی کوردسمن، یکی از کارشناسان برجسته خاورمیانه و یکی از متخصصین تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، در این باره می‌گوید: از بین بردن نیروگاه بوشهر نه تنها باعث نابودی برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران نمی‌شود، بلکه این مسئله می‌تواند باعث برانگیختن خصومت ایران در زمانی شود که دولت سعی دارد با این کشور ارتباط برقرار کند.

این مسئله کاملاً روشن است و ما هم در توضیح باید بگوییم: نیروگاه بوشهر در ساحل جنوبی ایران، رآکتور آب سبک هزار مگاواتی را تنها برای تولید انرژی صلح‌آمیز مورد استفاده قرار می‌دهد و فناوری و سوخت مصرف شده‌ی نیروگاه بوشهر، به خودی خود نمی‌تواند برای ساخت بمب هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. دولت کلینتون برای جلوگیری از ساخت نیروگاه و محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران انرژی بسیاری صرف

کرد و در این مورد تلاش فراوان نمود و این موضوع اخیراً با افزایش فشار دولت بوش به مسکو برای توقف داوطلبانه ساخت این نیروگاه به عنوان یک اولویت درجه یک در روابط آمریکا و روسیه نمایان شد و روس‌ها نیز هیچ توافقی را مبنی بر پذیرش این امر انجام ندادند. چرا که در حقیقت روسیه در نظر دارد همکاری خود را با ایران در زمینه انرژی از جمله در مورد پیشنهاد ساخت پنج رآکتور دیگر، به شدت افزایش دهد. واشنگتن‌پست می‌نویسد: حتی با توجه به اینکه الکساندر ورشبو، سفیر آمریکا در روسیه در اظهارات خود در خارج از مسکو گفته بود: نگرانی‌های ما در مورد انتقال فناوری و مهارت سلاح‌های هسته‌ای به ایران هنوز ادامه دارد و روسیه باید از این مسئله جلوگیری کند که میل این کشور به داشتن بهره‌های تجاری، منجر به تسریع در فرارسیدن روزی شود که تهدید این کشورها نه تنها منطقه خود آنها را بی‌ثبات کند، بلکه باعث تضعیف امنیت تمام جهان گردد...»، مقام‌های روسی مکرراً گفته‌اند که این رآکتور تنها برای تولید انرژی مورد استفاده قرار می‌گیرد و روس‌ها اصلاً در تحقیقات هسته‌ای ایران همکاری نمی‌کنند.

علاوه بر این، در مقاله دیگری از واشنگتن‌پست می‌خوانیم: «با توجه به اینکه دولت بوش معتقد است، روسیه در به اختیار گزاردن کمک‌های قابل توجه تقریباً در تمام زمینه‌ها به برنامه هسته‌ای ایران، ادامه می‌دهد و این کشور همچنان به برنامه‌های موشک‌های بالستیک دوربرد ایران کمک می‌کند، کاخ سفید از تصمیمات روسیه برای گسترش همکاری هسته‌ای با ایران به خشم آمده و هیئت بلندپایه‌ای را به مسکو اعزام کرده بود تا مقام‌های روسیه را برای تغییر این تصمیم و قطع کمک به ایران، تحت فشار قرار دهد. (پیتر بیکر، 2002، ش 67342)

دولت روسیه نیز به رغم مخالفت‌های آمریکا، طرح‌های خود مبنی بر ساخت پنج رآکتور هسته‌ای غیرنظامی دیگر را اعلام کرد. پوتین و معاونانش تاکید کردند که روسیه برای اهداف غیرنظامی، کمک‌های هسته‌ای در اختیار ایران قرار می‌دهد و از فروش

سلاح به عنوان تجارت قانونی با کشوری که حق دفاع از خود را دارد، حمایت کرده‌اند. با این شرایط، واشنگتن پست در مقاله دیگری نیز می‌نویسد: روسیه تامین کننده بزرگ برنامه هسته‌ای ایران است و مقام‌های آمریکایی بارها مقام‌های روسی را تحت فشار قرار داده‌اند تا از فعالیت شرکت‌ها و افرادی که به تلاش‌های هسته‌ای ایران کمک می‌کنند، جلوگیری به عمل آورد؛ چرا که احداث این تاسیسات به منظور تولید اورانیوم غنی شده و یا پلوتونیوم، ماده شکافتنی ضروری برای تسلیحات است. ریچارد بوچر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، ایران را متهم کرد که سعی در پنهان نگاه داشتن این تاسیسات مهم دارد و از نظر آمریکا ایران با چند انتخاب یعنی پیگیری به منظور دست یافتن به پلوتونیوم و اورانیوم غنی شده در راه دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است. (گلین کسلر، 2002، ش 69461)

مقاله دیگری از واشنگتن پست می‌نویسد: افشاگری‌های اخیر درباره تاسیسات هسته‌ای سری در ایران و کره شمالی، ایالات متحده را با جدی‌ترین چالش هسته‌ای آن از اوایل دهه 1990 مواجه ساخته است. (جابی واریک، 2004، ش 69612)

واشنگتن پست در مقاله دیگری هم می‌نویسد: تاسیسات اخیرا برملا شده در نزدیکی شهرهای نطنز و اراک، ظاهرا به قصد کمک به تولید پلوتونیوم یا اورانیوم غنی شده یعنی مواد شکاف پذیر لازم برای ساخت تسلیحات هسته‌ای طراحی گردیده است. (گلین کسلر، 2002، ش 69613) و جالب اینجاست که در مقاله مذکور آمده است: هندی دی سوکولسکی، مدیر اجرایی گروه تحقیقاتی مرکز آموزش سیاست منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، اظهار داشته است که «مسئله اینجاست که ایران تقلب نمی‌کند، ایران هیچ قانونی را نقض نکرده است و تا وقتی که به سلاح هسته‌ای دست نیابد هیچ مقرراتی را نقض نخواهند کرد!»

علاوه بر آن، طبق اصول و موازین اسلامی، اعتقادات و علایق انسانی، ایران همواره در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار جمعی را محکوم نموده و ادعای آمریکا کاملا

بی‌اساس است.

واشنگتن‌پست در مقاله دیگری نیز می‌نویسد: ده سپتامبر، ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: قصد دارد به منظور استفاده از نیروگاه هسته‌ای به غنی‌سازی اورانیوم روی آورد؛ پروژه‌ای که گمان می‌رود تکمیل آن سالها به طول انجامد. چرا که ایران یکی از امضاکنندگان پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای است که امکان پیگیری صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای از جمله استخراج اورانیوم و غنی‌سازی آن زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در نظر گرفته است و ایران به جهانیان اعلام می‌کند که دیگر در مورد مسائل هسته‌ای تحت تاثیر قرار نخواهد گرفت. (پیتر اسلوین، 2003، ش 70406)

و باز هم واشنگتن‌پست در روزنامه دیگری در پی ادعاهای ضد و نقیض خود و در راستای سیاست‌های دولت متبوعش می‌نویسد: به ادعای یک گروه معارض ایرانی، ایران در حال اجرای یک برنامه هسته‌ای به منظور تولید سلاح می‌باشد؛ در صورتی که مقامات ایرانی استدلال می‌کنند هدف تهران از اجرای این برنامه قطع وابستگی به منابع نفت و گاز کشور است و این ادعاها را رد کردند. (گلین کسلر، 2003، ش 70573)

و باز هم واشنگتن‌پست در پاسخ به این ادعاهای بی‌اساس خود در مقاله دیگری می‌نویسد: لفاظی‌های پرطمطراق درباره «محور شرارت» و دکترین رئیس‌جمهور آمریکا پیرامون این نکته که آمریکا حق دارد در هر منطقه از جهان که گمان می‌کند مشکلی در آنجا وجود دارد، مداخله نظامی نماید، بعید است بتواند مانع ازدیاد موج هسته‌ای در خاورمیانه یا هر منطقه دیگر شود و محاسبات هسته‌ای ایران نه از روی طرح‌های غیرمنطقی بلکه از روی تلاش معقول به منظور ایجاد توانمندی بازدارنده پایدار بر ضد طیفی از خطرات منطقه‌ای استوار است و این مسئله توازن است که اگر ایران نداشته باشد، امنیت نخواهد داشت. (تاکه، 2003، ش 71390: 413)

و کمال خرازی، وزیر امور خارجه دولت خاتمی، اشتیاق شدید منطقه‌ای برای ازدیاد تسلیحاتی را تقبیح کرد و خاطر نشان ساخت: این همان غولی است که بهتر است

در بطری بماند.

و باز هم در مقاله دیگری از واشنگتن پست آمده است که اگر ایران از بازرسی سرزده بین‌المللی از تاسیسات هسته‌ای اش خودداری کند یا معلوم شود که فعالانه اعضای القاعده را پناه داده است، در آن صورت تدابیر شدیدی که دولت آمریکا از آن سخن می‌گوید، شاید ضروری به نظر برسد. اما در حال حاضر ضرورت این تدابیر احساس نمی‌شود؛ (نویسنده نامعلوم، 2003، ش 72009) در صورتی که ایران اصلاً از اعتقادات تعصب‌آمیز و انحرافی القاعده متنفر است.

پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در گفتگوی مشترک با بوش در برابر رسانه‌های خبری گفت: ما مخالف بکارگیری بهانه برنامه هسته‌ای ایران به عنوان عاملی برای رقابت غیرعادلانه علیه خودمان هستیم؛ (نویسنده نامعلوم، 2003، ش 72067) چرا که از سال‌ها پیش، نیروگاه بوشهر مایه مجادله و اختلاف نظر در روابط روس و آمریکا بوده است و دولتها پیاپی در واشنگتن هشدار دادند که هر گونه همکاری هسته‌ای با حکومت اسلامی ایران می‌تواند توان ایران برای تولید جنگ‌افزارهای کشتار جمعی را تقویت کند و این مسئله نیز به روشنی در یکی دیگر از مقالات واشنگتن پست نمایان شده است. (بیکر، 2003، ش 7228)

از طرفی در یکی از مقالات روزنامه واشنگتن پست می‌خوانیم: بیل کلینتون با امضای قانون جدید اعطای هر گونه کمک به روسیه را به تبریته شرکت‌های روسی در فرآیند کمک به برنامه سلاح‌های میکروبی و شیمیایی ایران محدود ساخت. طبق این قانون هیچ کمکی به مسکو در زمینه فعالیت روی ایستگاه فضایی بین‌المللی صورت نخواهد گرفت تا بی‌گناهی شرکت‌های روسی در مورد همکاری با برنامه تسلیحاتی ایران علنی و محرز شود. هدف از این قانون جدید، تحت فشار قرار دادن روسیه است تا تکثیر چنین تکنولوژی‌هایی را متوقف سازد. (هافمن، 2000، 55288)

علاوه بر آن، واشنگتن پست در مقاله دیگری می‌نویسد: مقام‌های روسیه به دولت

کلیتون اطمینان داده‌اند که مسکو یک موسسه تحقیقاتی را که در ساخت سلاح‌های هسته‌ای به کار گرفته می‌شود، متوقف کرده است که این موسسه تحقیقاتی در سن پترزبورگ، برای فراهم ساختن تاسیسات لیزری برای ایران که می‌توانست در تولید اورانیوم غنی شده مناسب ساخت سلاح هسته‌ای به کار گرفته شود، متوقف کرده است و مقام‌های بلندپایه ایالات متحده گفتند: از نظر تئوریک برخی تجهیزات مرتبط با لیزر روسیه را می‌توان برای صدور به ایران مجاز دانست، اما دولت کلیتون معتقد است که: «به عنوان یک معامله کلی» طرح ایجاد تاسیسات لیزری در ایران، به منظور غنی کردن اورانیوم آشکارا طراحی شده است. (پینکوس، 2000، ش 57941)

در مقاله دیگری از واشنگتن‌پست آمده است: آمریکا اگر دست روی دست بگذارد و قبل از اتمی شدن ایران و عراق، نیروهای نظامی خود را آماده و مستقر نسازد، از میدان به در بردن دشمنان، دیگر برای این کشور مقدور نخواهد بود و گفتگوی تمدن‌ها از آن زمان برای آمریکا که موضع برتر خود را از دست داده است، هیچ گونه ارزشی نخواهد داشت. در ادامه مقاله می‌خوانیم: دولت آمریکا بارها سعی کرده است که تامین‌کنندگان تجهیزات مرتبط با امور تسلیحاتی مورد نیاز ایران یعنی کشورهای روسیه، چین و کره شمالی را تحت نفوذ خود درآورد، اما تکرار منظم درخواست‌ها و اعتراض‌های دولت کلیتون و پیشرفت آشکار برنامه‌های ایران در تولید موشک‌های میان‌برد و دوربرد، باعث نمی‌شود انسان به این اعتقاد دست یابد که سه کشور نامبرده از اقدام‌های تلافی‌جویانه آمریکا ترسی به دل راه می‌دهند. در ادامه مقاله می‌خوانیم: اگر ایالات متحده آمریکا یک سیستم موشکی ضدبالیستیکی دریا برد را تا قبل از زمانی که عراق و ایران، اتمی شوند در مناطق مناسب مستقر نکرده باشد (یگانه کاری که شیوه قابل قبولی است و برای آنکه بتوانیم هم دشمنان خود را بی‌سر و صدا به سرعت از میدان به در ببریم و هم کمربندهای خود را محکم کنیم) در آن صورت، منطقه خاورمیانه، به طور قطع یک پیشنهاد نوین و تحریک‌کننده برای «گفتگوی میان تمدن‌ها»

به ما ارائه خواهد داد، اما در آن زمان، چنین گفتگویی برای ما پیشیزی ارزش نخواهد داشت. (رئول گرشت، 2000، ش 58309)

در مقاله دیگری از روزنامه واشنگتن پست آمده است که: یک روز پس از آنکه یازده نفر از مقام‌های بلندپایه شورای امنیت ملی سابق، بیانیه‌ای را منتشر کردند و در آن نگرانی عمیق خود را در مورد این توافقنامه ابراز داشتند، دیروز سناتورهای جمهوری خواه این سؤال را مطرح کردند که آیا دولت کلinton با وارد شدن در یک معامله محرمانه با مسکو، در مورد فروش‌های تسلیحاتی به ایران قانون را نقض کرده است یا خیر؟ در ادامه می‌نویسد: این مجادله از یادداشت تفاهمی ناشی می‌شود که در سال 1995 توسط گور و نخست‌وزیر وقت روسیه - ویکتور چرنومیردین - امضا شد و به موجب آن، روس‌ها اجازه ادامه فروش سلاح‌های متعارف (از جمله تانک‌ها و نفربرهای زرهی و زیردریایی‌های دیزلی و کیلوکلاس) به ایران را به موجب یک قرارداد متعلق به عصر شوروی به دست آوردند. در عوض، مسکو تعهد می‌کرد که وارد هیچگونه معامله تسلیحاتی جدید با تهران نشود. (ویبا، 2000، ش 58333)

واشنگتن پست در مقاله دیگری می‌نویسد: در پی علنی شدن عدم پایبندی روسیه به مفاد موافقتنامه سال 1995 دولت آمریکا، روسیه را به اعمال تحریم‌هایی تهدید کرد، ولی دولت روسیه به این تهدیدها اعتنایی نکرده است. موافقتنامه مبنی بر عدم عقد قرارداد فروش تانک و سایر تسلیحات جنگی با ایران بود که آنها سر باز زدند. روسیه نیز در پی این موافقتنامه یک سلسله همکاری‌های پرسود و هنگفت را از آن خود نمود. (هوفمن، 2000، ش 58668) جالب اینجاست که واشنگتن پست در همین مقاله با دیدگاه متناقض می‌نویسد: اینها ملزومات و قطعات یدکی و تجهیزاتی، تسلیحات متعارف نظیر هواپیماهای جنگی، تانک و توپ است که پیش‌تر فروخته شده و روسیه نیز به تعهدات بین‌المللی خود مبنی بر عدم گسترش تسلیحات انهدام جمعی پایبند است و باز در ادامه متن مذکور می‌خوانیم: مدت‌های مدیدی است که ایالات متحده

آمریکا از روسیه می‌خواهد از ارائه تکنولوژی هسته‌ای و موشکی به ایران دست بردارد. روسیه نیز به تازگی، آژانس صادرات تسلیحاتی خود را دوباره سازماندهی کرده و یکی از عمده‌ترین صادرکنندگان سلاح‌های متعارف محسوب می‌شود و ایران نیز به خریدن موشک‌های زمین به هوای S300، هواپیماهای جنگی، موشک‌اندازهای قابل حمل و بالگردهای روسی علاقمند است و... پیرامون همین مسئله در مقاله دیگری از روزنامه واشنگتن‌پست آمده است: در پی آشکار شدن مفاد پیمان منعقد شده در سال 1995 میان آمریکا و روسیه مبنی بر عدم عقد قرارداد فروش تسلیحاتی میان روسیه و ایران از پایان سال 1999 طی مبارزات انتخاباتی آمریکا، روسیه اعلام کرد که دیگر پایبند موافقتنامه مزبور نیست و تصمیم دارد دوباره به ایران سلاح‌های متعارف بفروشد. چرا که طبق توافقنامه سال 1995، روسیه مجاز به تکمیل قراردادهای مربوط به ارسال زیردریایی دیزلی «کیلوکلاس» تانک‌های زرهی، بمب و توپ‌های آتشبار بوده است.

بر اساس تحقیق دولت آمریکا، این تسلیحات از تکنولوژی نسبتاً کهنه‌ای برخوردارند و بر توازن قدرت در منطقه تأثیری نخواهند داشت. در حالی که اکنون وزارت امور خارجه آمریکا سرگرم ترغیب دولت روسیه به تغییر تصمیم متخذه و تداوم پایبندی به مفاد توافقنامه 1995 است. (نویسنده نامعلوم، 2000، ش 58669)

جالب است بدانیم خود واشنگتن‌پست در مقاله دیگری مبنی بر اینکه سلاح حق ملت ایران است، می‌نویسد: ایران که در همسایگی کشور عراق (تحت حاکمیت صدام حسین) قرار دارد، حق دارد جهت تقویت بنیه دفاعی خود به خرید مقادیری اسلحه که طی سالهای اخیر چندان زیاد هم نبوده است، مبادرت کند. بهتر است مقام‌های واشنگتن نسبت به فروش مقادیری جنگ‌افزار به ایران، این همه حساسیت نشان ندهند. اوایل ماه نوامبر، مسکو به واشنگتن اطلاع داد که قصد لغو قراردادی را دارد که دو کشور روسیه و آمریکا در سال 1995 تصویب و به مورد اجرا گذاشته و به موجب آن فروش سلاح‌های پیشرفته غیراتمی (روسیه) به ایران محدود شده بود. (اهافلون، 2000، ش 58746)

یکی از تحلیل‌های کلی مطبوعات ایالات متحده به ویژه واشنگتن پست این است که کشوری همچون روسیه که از لحاظ نقدینگی به شدت در مضیقه است و در یک وضعیت نابسامان قرار دارد، می‌خواهد به فروش سلاح‌های خود نه تنها به ایران، بلکه به طور کلی به کشورهای خارجی ادامه دهد. با این حال، بیشتر سیستم‌های تسلیحاتی که روسیه به ایران می‌فروشد، عبارت است از: تجهیزات نظامی از قبیل تانک، نفربرهای زرهی، توپ و تجهیزاتی که با نبردهای زمینی در ارتباط هستند. این تجهیزات، سلاح‌ها و جنگ‌افزارها در صورتی که تعدادشان محدود باشد، به طور اخص، خطرناک محسوب نمی‌شود. فی‌المثل، با وجود آنکه تنها یک زیردریایی متعلق به ایران می‌تواند یک رزمناو آمریکایی را غرق کند؛ حتی چند صد تانک مدرن برای به مخاطره افکندن جدی منافع و مصالح ملی آمریکا در منطقه، دچار زحمت بسیار خواهند شد و ایران برای خرید تجهیزات نظامی، از قبیل تانک و سلاح‌های مشابه آن، دارای انگیزه‌های دفاع از خویش است و خریدهای تسلیحاتی اخیر ایران از لحاظ حجم و دفعات خرید، چندان گسترده و چشمگیر نبوده است و ضرورت تام دارد که سیاستمداران ایالات متحده آمریکا، به جای آنکه هر گونه اقدام خود را مشروط و بر مبنای متقاعد ساختن ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، برای متوقف کردن کامل فروش هر نوع اسلحه به ایران قرار دهند، از این موضع‌گیری خود عقب‌نشینی کنند. سزاوار است که سردمداران آمریکا خود را آماده کنند تا فروش محدود سلاح‌هایی را که ممکن است ایران جهت دفاع از خود به آنها نیاز داشته باشد، تحمل کنند و اعتراض‌های شدید خود را به واردات سلاح‌های بی‌ثبات‌کننده‌ای که در بطن اوضاع و شرایط حوزه خلیج فارس وجودشان از لحاظ اهداف نظامی بی‌فایده بوده و مشروعیت چندان نداشت، اختصاص دهند. چه بسا فروش چند دستگاه تانک اقدام چندان ناپسندی محسوب نشود.

و یا آنکه در مقاله دیگری واشنگتن پست می‌نویسد: سه موسسه‌ی دیگر روسی که گفته می‌شود برخلاف میل آمریکا در اجرای برنامه‌های تسلیحاتی ایران به این کشور

کمک می‌کنند، از سوی واشنگتن تحریم شدند. (دلبیو، 1999، ش 48940)

علاوه بر اینها واشنگتن پست می‌نویسد: برخی از مقامات آمریکا و اسرائیل همچنان ماهیت همکاری روسیه با ایران در مورد مسائل هسته‌ای را زیر سؤال می‌برند و همچنین درباره انتقال فناوری برای ساخت موشک‌های بالستیک قاره‌پیما چون و چرا می‌کنند. میخائیلوف گفت: «گاهی از من سوال می‌کنند که آیا ایران در حال ساختن بمب اتمی است؟ می‌گویم: نه» مسئله‌ی مهم برای ما نرنجاندن همتایان ایرانی ما است. امروز شاید امکانات ایران در حدی باشد که در آرزوی ساختن بمب اتمی باشد، ولی برای رسیدن به این هدف راه بس درازی در پیش دارد. بطور کلی، کمک روسیه به ایران برای تکمیل نیروگاه‌های بوشهر، آمریکا و اسرائیل را خشمگین کرده است. (هافمن، 1998، ش 44929)

یا آنکه در مقاله دیگری از واشنگتن پست پیرامون توسعه روزافزون فناوری موشک‌ها می‌خوانیم: تهران قادر است تا دو سال دیگر سلاح‌های میان‌برد بسازد و آنها را برای استفاده مستقر کند. (پینکوس، 1998، ش 46741)

واشنگتن پست در مقاله دیگری می‌نویسد: به گفته‌ی اعضای کمیته متشکل از دو حزب آمریکا، کشورهای شمالی ایران و بعضی کشورهای دیگر با استفاده از آزمایشگاه‌ها و کارخانه‌های زیرزمینی برای ساخت و آزمایش تسلیحاتی، برنامه‌های موشک بالستیک خود را از ماهواره‌های تجسسی آمریکا پنهان می‌کنند. (پینکوس، 1998، ش 46770) و در مقاله‌ای دیگر از واشنگتن پست می‌خوانیم: به رغم وجود خطر وتو، مجلس نمایندگان قانونی را با هدف واداشتن روسیه به توقف صدور فناوری موشک به ایران مورد تصویب نهایی قرار داد. (دوار، 1998، ش 46821)

با توجه به همه این ادعاها، واشنگتن پست در مقاله دیگری نیز می‌نویسد: برخی از دیپلمات‌ها گسترش سلاح‌های هسته‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌شمارند و یادآور می‌شوند که تمام تلاش‌ها برای کنترل تسلیحات در طول تاریخ با شکست مواجه شده است.

برخی دیگر عقیده دارند، مذاکره هنوز هم می‌تواند جلوی گسترش بیشتر سلاح‌های کشنده را بگیرد. (مافسون، 1999، ش 52074) و از طرف دیگر در جای دیگر می‌نویسد: مقام‌های دولت کلینتون، استپایشن را تحت فشار گذارده‌اند تا کمک روسیه با ایران را در زمینه فناوری موشک و سلاح‌های هسته‌ای کاهش دهد و از تعداد جاسوسان روسی در آمریکا بکاهد و اصلاحات اقتصادی را با جدیت بیشتری دنبال کند. (جافیسون، 1999، ش 5144) باز هم واشنگتن پست در مقاله دیگری می‌نویسد: طی ده سال آینده ایران و عراق می‌توانند تبدیل به تهدیدی موشکی علیه بیشتر شهرهای آمریکا شده و این کشور را به کمک تسلیحات موشکی، مورد حمله اتمی قرار دهند و اشاره می‌کند که در تحلیل‌های اطلاعاتی نتیجه‌گیری شده است که کره شمالی، ایران و عراق عمدتاً سیستم موشک بالستیک بین‌قاره‌ای خود را برای دیپلماسی تحت فشار قرار دادن و ممانعت از بکارگیری نیروهای موشکی بسیار قوی‌تر آمریکا علیه خود ایجاد می‌کنند. (پینکوس، 1999، ش 52159) حال با توجه به حساسیت آمریکا نسبت به انرژی هسته‌ای ایران و همکاری چین با ایران در زمینه هسته‌ای از منظر واشنگتن پست می‌پردازیم.

عملکرد آمریکا در قبال همکاری راکتورهای هسته‌ای چین با ایران

تلاش آمریکا جهت جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای فقط منوط به روسیه نمی‌باشد بلکه چین و ترکیه را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است به طور مثال در واشنگتن پست می‌خوانیم: نیکولاس برنز^۱ سخنگوی وزارت امور خارجه اسبق آمریکا گفته بود که وی عزم و اراده شدید دولت متبوع خود را برای بازداشتن روسیه و چین از انجام نقشه‌ها و طرح‌های فروش راکتورهای هسته‌ای به ایران اعلام می‌کند. (

لیپمن دبلیو توماس، 1995، ش 23491) تا جایی که عنوان کرده بود، تعهد چین در مورد پایان دادن به کمک‌های هسته‌ای به ایران، به برقراری کمک آمریکا به چین منجر می‌گردد. (آر. اسمیت، 1997، ش 43337) البته چین مدت‌ها از دادن تعهدی که روابط آن با ایران را تحت تاثیر قرار دهد، خودداری می‌کرد؛ چرا که ایران برای چین کشوری دوست و کاملاً متعهد است و در آینده، قطع به یقین هنگام تشدید کمبود انرژی به تامین کننده عمده نفت آن تبدیل خواهد شد.

از طرف دیگر در یکی از مقاله‌های واشنگتن پست می‌خوانیم: ایالات متحده به منظور فروش تکنولوژی هسته‌ای خود به چین پیش‌شرط‌هایی را برای آن کشور قرار داده است؛ از جمله قطع همکاری‌های هسته‌ای و نظامی با ایران و این پیش‌شرط‌ها مورد موافقت دولت چین نیز واقع شده است. (آر. اسمیت، 1997، ش 43340)

چین در مقابل قطع همکاری‌های هسته‌ای خود با ایران تکنولوژی هسته‌ای و هواپیما از ایالات متحده تحویل می‌گیرد. خوب است بدانیم که ایران برای چین کشوری غیرمتعهد بوده که در دهه آینده و هنگام تشدید کمبود انرژی می‌تواند به تامین کننده عمده نفت آن تبدیل شود. واشنگتن پست در مقاله دیگری می‌نویسد: دیروز دولت کلینتون اعلام کرد که پس از آنکه مقام‌های چینی رسماً تعهد کردند به تامین قطعات موشک برای ایران و پاکستان پایان دهند، ایالات متحده مجازات‌های اعلام شده علیه چین را معوق می‌گذارد. همچنین اعتقاد بر این است که ایران در پی دستیابی به نیروی هسته‌ای است و دولت (آمریکا) که به اجتناب از به هم خوردن آشکار روابط دوستانه با پکن علاقه‌مند است، به ویژه با در نظر گرفتن تمایل خود به پیشبرد تجارت آزاد با چین، یک مسیر متقاعد کردن بی سر و صدا را تعقیب کرده است، اما به دلیل خشم چین از فروش‌های تسلیحاتی آمریکا به تایوان، تلاش‌های ایالات متحده دچار مشکل شده است. (لنکستر، 2000، ش 59095)

واشنگتن پست در مقاله دیگری می‌نویسد: در صورتی که مقامات چین از معامله

میان خود و ایران بر ارسال مقادیری اورانیوم به ایران سخن گفته بودند، ماجرای فعالیتهای ایران در امور هسته‌ای و وجود تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم برملا نمی‌شد و ایران نیز مجبور نبود به فعالیت‌های خود در امور هسته‌ای اعتراف کند. در صورتی که ایران می‌گوید فقط در صدد استفاده از حق مشروع خود جهت تولید نیروی هسته‌ای در امور غیرنظامی است. (ماریک، 2003، ش 72279)

با همه این گستاخی‌ها باز هم واشنگتن‌پست در مقاله دیگری می‌نویسد: غرب فشار زیادی به ایران می‌آورد تا پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را امضا کند. علاوه بر آن، خود می‌نویسد که رهبران ایران گفتند: آمریکا یک جنگ روانی علیه ایران به راه انداخته و برای دخالت‌های جدید در این منطقه پس از تهاجم به عراق، این همسایه غربی ایران، مقدمه‌چینی کرده و شرایط را بررسی می‌کند. (دایز، 2003، ش 72690) و بالاخره آنکه در مقاله دیگری از واشنگتن‌پست می‌خوانیم که بوش گفته است: ما به این نتیجه رسیده‌ایم که ایران برای به وجود آوردن توان و قابلیت تولید سلاح‌های هسته‌ای فعالانه می‌کوشد. (نویسنده نامعلوم، 2003، ش 72353)

سیاست بین‌المللی، یعنی سیاست آمریکا در قبال ایران، از آن زمان مانع شده است که ترکیه بتواند برنامه‌های خود را به مرحله اجرا درآورد. با توجه به اینکه ترکیه کشوری است که نیازهای بسیاری دارد، با اینکه شرکتهای بین‌المللی زیادی برای کمک به ترکیه وجود دارد، فرآیند آن نیز به طور کلی بلوکه شده است. (کوتوریو، 1997، ش 43173) از طرفی، ترکیه نیز در سال 1996 قراردادی درازمدت مبنی بر خرید 23 میلیارد دلار گاز طبیعی را به امضا رسانید؛ معامله‌ای که می‌توانست ترکیه را مورد مجازات اقتصادی آمریکا قرار دهد و شکافی بین آمریکا و متحد اصلی او در پیمان ناتو ایجاد کند. این قرارداد در زمان نخست‌وزیر قبلی، تانسو چیللر، طرح‌ریزی و در زمان نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر اسلام‌گرای فعلی به اجرا درآمد و دولت کلیتتون نیز ترکیه را به دلیل انعقاد این قرارداد انتقاد کرده بود. (دلبلیو. لیپمن، 1996، ش 36679)

با توجه به این توضیحات، حتی واشنگتن‌پست می‌نویسد: ایران برای برطرف کردن این باور واشنگتن که ایران کشوری تروریست بوده و در صدد دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است، باید در نیروگاه‌های هسته‌ای خود را به روی بازرسان بین‌الملل بگشاید. (لنکستر، 1995، ش 24191)

در مقاله دیگری از واشنگتن‌پست می‌خوانیم: شرم‌آور است که هنوز برخی از دولتها امیدوارند روحانیون حاکم، تغییر و تحولی به وجود آورند. سیاست «صبر و انتظار»، دست روحانیون را در کسب سلاح‌های خطرناک‌تر در منطقه باز گذاشته است. (سپهرراد، 1999، ش 49195) اصلاً باید بگوییم، تمایل دولت ایران برای بررسی راهکارهای سلاح‌های هسته‌ای از دهه 1960، یعنی هنگامی ایجاد شد که دولت طرفدار آمریکا (شاه) رؤیاهای بزرگی برای نقش ایران در منطقه و جهان در سر می‌پروراند. با این حال، جنگ خونین این کشور با عراق از سال 1980 تا 1988 و استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در این جنگ و حس انزوای ایران در جامعه جهانی، سبب شد مباحث داغی در دولت، پیرامون فواید و قابلیت‌های سلاح‌های شیمیایی صورت پذیرد. افزون بر این، آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، در مه 1998 باعث شد، استدلال‌ات و موضع آن دسته از افرادی که در ایران سلاح‌های هسته‌ای را جزو اساسی دفاع ملی تلقی می‌کردند تقویت شود. به علاوه، وجود قابلیت هسته‌ای اسرائیل و موشک‌های دوربرد این کشور، احساس آسیب‌پذیری ایران را افزایش می‌دهد.

در عین حال به نیازهای امنیتی مشروع ایران باید توجه شود که بخشی از این نیازها عبارتند از: نگرانی ایران از توان نظامی آمریکا، اسرائیل و عراق. اعتراض نسبت به تلاش‌هایی که برای محدود ساختن زیرساخت قدرت هسته‌ای ایران صورت می‌گیرد؛ بدون توجه به این نکته که برنامه‌های هسته‌ای ایران دارای مقاصد صلح‌آمیز است.

ایران با مسائل جدی در منطقه روبه‌روست و باید ناآرامی و جنگ داخلی در چند

کشور همسایه مثل افغانستان و بی‌ثبات‌تر شدن پاکستان زیر نفوذ مسلمانان سنی رادیکال (شبییه طالبان) را در نظر بگیرد. از دیگر موارد، مثل کشمکش‌های داخلی در قفقاز، درگیری ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها بر سر ناگورنو - قره‌باغ، ادامه درگیری در گرجستان بر سر آبخازستان و جدال‌های روسیه در مناطق جنوبی خود و به ویژه در چچن و در قسمت‌های شرقی‌تر نیز ایران از نظر دیپلماتیک درگیر هرج و مرج و زد و خورد در تاجیکستان شده است؛ کشوری که در آسیای مرکزی، جمعیت آن بیشتر فارسی‌زبان و شیعه مذهب هستند.

تحولات یاد شده نشان می‌دهد که ایران در بر دارنده منازعات گوناگونی است که دارای ابعاد نظامی مهمی هستند و لاینحل نیز باقی مانده‌اند و گذشته از این با توجه به تجربه ایران در حملات موشکی عراق در جریان جنگ تحمیلی و همچنین به علت مجهز بودن بسیاری از کشورهای همسایه ایران به موشک‌ها و هواپیماهای ضربتی دوربرد، طبیعی است که ایران خواهان توانایی مشابهی باشد؛ بنابراین ایران استراتژی تضمین هسته‌ای خود را پیگیری خواهد کرد، یعنی در پی تدارک زیرساخت‌ها و نیروی انسانی لازم برای تهیه مواد مورد نیاز و... بر خواهد آمد. از نظر ایران، منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس کاملاً نامشروع است و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس خود باید سرنوشت خویش را به دست بگیرند. در حالی که اقتصاد این منطقه، اقتصاد رانتیر¹ نفتی است و متکی به درآمدهای نفتی بوده و برون‌زا می‌باشد که به اختصار می‌توان گفت: با توجه به شرایط جمهوری اسلامی ایران این کشور باید بتواند به فراخور از هر سه لایه استراتژی اعلامی خود استفاده کند؛ از استراتژی بازدارندگی برای ایجاد یک مکانیسم پیشگیرانه، از استراتژی دفاع همه جانبه برای اجرای یک دفاع رو به

1. رانت درآمدی است که از هدیه طبیعت به دست می‌آید و به عبارت دیگر درآمدی که بدون تلاش حاصل می‌شود و در مقابل مفاهیمی چون مزد و سود به کار می‌رود که نتیجه تلاش و فعالیت جسمی و اقتصادی است. هر دولتی که قسمت عمده درآمد خود را از منابع خارجی و به شکل رانت دریافت کند، دولت رانتیر نامیده می‌شود.

جلو با تکیه بر کاربرد نیروهای مردمی و از استراتژی پاسخگویی موثر برای انجام اقدامات آفندی مورد لزوم که هدف و چارچوب عملی هر یک را استراتژی ملی مشخص می‌کند. بدیهی است در صورت وقوع دوباره جنگی به عنوان مثال، تجارب حاصله از دفاع مقدس برای فرماندهان و رهبران نظامی ایران بسیار حائز اهمیت خواهد بود. با تمام این اوصاف، ایران همواره بر صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای خود تاکید داشته و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز از نزدیک بارها آن را تاکید کرده است. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1381: 12)

اسرائیل نیز آمریکاییان و اروپاییان را تحت فشار قرار داده است تا علیه برنامه‌های تسلیحاتی خاص ایران دوشادوش یکدیگر صف‌آرایی کنند. از یک سو دسترسی به تکنولوژی‌های ظاهرًا مسالمت‌آمیز شیمیایی و تجارت در حوزه مواد شیمیایی مختص مصارف غیرنظامی، حول محور رعایت مفاد معاهده مزبور دور می‌زند و کمتر کشوری مایل است که در مکان جغرافیایی استراتژیک ایران واقع شده باشد. (نویسنده نامعلوم، 1997، ش 43558) در این زمینه می‌توان گفت: آنان همواره نگران حرکت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند؛ به عنوان مثال، زمانی که جمهوری اسلامی ایران، یک موشک بالستیک شهاب 3 را که قادر به حمل کلاهک تا مسافت 800 مایل بود را مورد آزمایش قرار داد، آمریکا اگرچه موضع آرام‌تری نسبت به قبل گرفت، ولی این تحول را تهدیدی بالقوه علیه دوستان خود در منطقه و حضور خود در آنجا محسوب کرد.

آمریکاییان معتقدند که نگرانی‌شان در مورد سلاح‌های کشتار جمعی و توسعه موشکی ایران در یک چارچوب منطقه‌ای که در آن، کشورهای منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران نیاز به احساس امنیت دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. آنان معتقدند که از خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی حمایت می‌کنند و بر این اساس، تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای به صورت مستقیم منافع ملی آنها را تهدید می‌کند و این در حالی است که ایالات متحده همواره از کمک‌های خویش

جهت توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی رژیم اشغالگر قدس دریغ نکرده است! به عنوان مثال دیوید نیوتن، فرستاده ویژه آمریکا در دمشق، از رژیم صهیونیستی به خاطر داشتن جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، حمایت کرد. او در دمشق گفت: بسیاری از کشورها چنین جنگ‌افزارهایی دارند که می‌توانند بر ضد کسی استفاده کنند (معبادی، 1376: 194) و این در حالی است که رژیم صهیونیستی و آمریکا توافقنامه نظامی به ارزش یک میلیارد و ششصد میلیون دلار را برای سرمایه‌گذاری در طرح سیستم جنگ‌افزارهای پیشرفته ضد موشک در اوایل فروردین 1377 ش امضا کردند. این توافقنامه را اسحاق مردخای، وزیر جنگ اسرائیل و کوهن، وزیر دفاع آمریکا در واشنگتن امضا کردند و... بدین ترتیب با عنایت به مسائل فوق، دوگانگی سیاست آمریکا راجع به تسلیحات کشتار جمعی و اتمی مسجل می‌شود. در قبال سیاست ایالات متحده آمریکا راجع به تسلیحات کشتار جمعی و اتمی نسبت به ایران، موضع جمهوری اسلامی ایران صریح و شفاف است. همواره مقامات جمهوری اسلامی ایران بر استفاده صلح‌آمیز از تسلیحات اتمی تاکید کرده‌اند و بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون منع سلاح اتمی را امضا کرده است و علاوه بر این، نمایندگان رسمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها از ایران دیدار کرده‌اند و به صراحت اعلام نموده‌اند که جمهوری اسلامی ایران در صدد ساختن سلاح اتمی نیست و همانطور که گفته شد، این در حالی است که اسرائیل، یک نیروی اتمی است و به هیچ وجه هم حاضر نیست به قواعد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تن بدهد.

در این رابطه خاتمی، رئیس‌جمهور وقت عنوان کرد که:

«عجیب است کسانی که دلشان برای بشریت می‌سوزد، در حالی که اسرائیل، یک نیروی اتمی است و به هیچ وجه هم حاضر نیست به قواعد بین‌المللی انرژی اتمی تن بدهد، مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ ولی ایرانی که هنوز هم نتوانسته نیروگاه اتمی‌اش را که قبل از انقلاب شروع کرده به ثمر برساند، مورد حمله قرار می‌گیرد».

دلایل این دوگانگی سیاست ایالات متحده آمریکا علیه کشورها و جمهوری اسلامی را خاتمی اینگونه بیان می‌کند:

«اینها (منظور سیاست دوگانه آمریکا) بهانه‌هایی برای تحمیل یک سلسله سیاست‌های خاص بر ایران و منطقه است. ما یک قدرت اتمی نیستیم و قصد هم نداریم به صورت یک قدرت اتمی درآییم و عضو آژانس بین‌المللی هم هستیم و زیر نظرات این آژانس هم به سر می‌بریم». (همان: 195) حتی معتقد به جنبه بازدارندگی آن نیز نیستیم، زیرا جنبه بازدارندگی سلاح‌های هسته‌ای در دوران جنگ سرد نه تنها نشان داد اثر مثبتی ندارد، بلکه بالعکس عواقب منفی هم دارد». (همان: 101)

ایران طالب به دست آوردن حق رای و مشارکت در امور عینی و عملی همچون انرژی (سوخت)، امنیت منطقه‌ای و استفاده از سپرده‌های پولی خود در آمریکاست. از طرف دیگر با توجه به اینکه آمریکا کشور ایران را عامل ضد ثبات در منطقه خاورمیانه می‌خواند، خاتمی پیرامون این مسئله در سازمان ملل گفتند: اسرائیل منشأ خطری عظیم‌تر از ایران برای ثبات این منطقه بوده و به دولت اسرائیل نیز گوشزد کرد که در مقابل صلح، سرزمین‌های بیشتری را به اعراب واگذار کند. این مسئله به خوبی در یکی از مقالات روزنامه واشنگتن‌پست آمده است. (پی‌سیک، 1998، ش 47912)

ایران مدتهاست که اصولاً حضور نظامی آمریکا را در خلیج فارس به مثابه شکلی از سلطه امپریالیستی و حمله به عراق را نشانه‌ای از سلطه عینی ایالات متحده و خاطره‌ای از نفوذ قوی آمریکا در ایران قبل از انقلاب اسلامی 1979 برابر با 1357 محکوم کرده‌اند. در برخی از مقالات روزنامه واشنگتن‌پست آمده است: برخلاف تصور سردمداران آمریکا، ایران در بحران بین عراق و آمریکا به نفع همسایه‌اش عراق موضع‌گیری کرده و تهدیدات آمریکا را محکوم ساخته است. (جی کوپر، 1998، ش 44931) از طرفی در یکی از مقالات روزنامه واشنگتن‌پست آمده است که سیاست‌های ایران مانند صحنه یک شطرنج است نه صحنه مسابقات فوتبال (پی‌سیک، 1999، ش 49711) و...

پیرامون این مسئله باید گفت: با توجه به اینکه سه عضو از پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل یعنی روسیه، چین و فرانسه مخالف استفاده از نیروی نظامی علیه عراق بودند و کشور ایران هم نقش مهمی را در منطقه خلیج فارس دارد، استدلال کرده بود که ایالات متحده آمریکا و بریتانیا برای حمله به عراق نیاز به تایید اکثریت اعضای سازمان ملل دارند.

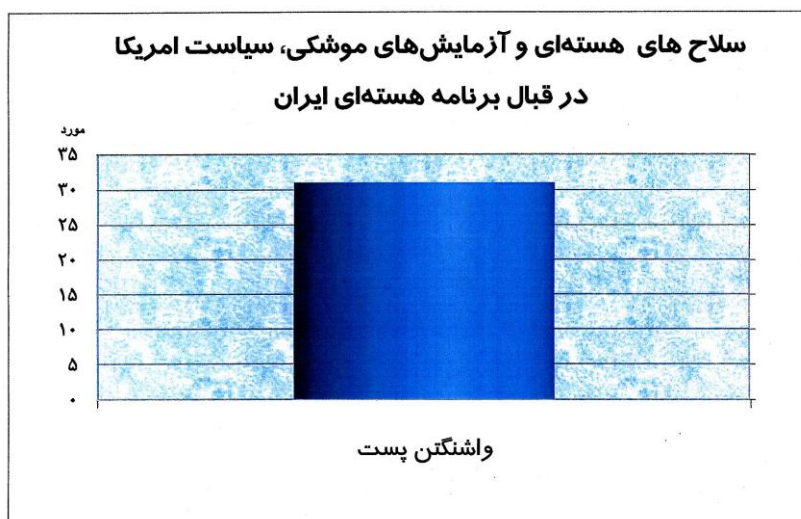
دولت کلبنتون با این نظر مخالف بود؛ در حالی که سازمان ملل یک نهاد مستقل از آمریکا بوده و می‌بایست با مشورت کشورهای منطقه درباره مسئله عراق تصمیم‌گیری می‌کرد و از این نظر که عراق به طور کامل قطعنامه‌های سازمان ملل را پذیرفته و از بازرسی کارشناسان تسلیحاتی سازمان ملل جلوگیری نکند نیز موافق بود.

نتیجه‌گیری

پرونده هیچ کشوری در جهان در زمینه بی‌حرمتی به قوانین بین‌المللی و موازین حقوق بشر به سنگینی پرونده آمریکایی‌ها نیست ولی در عین حال هیچ کشوری در جهان به اندازه‌ی آمریکایی‌ها کشورهای دیگر را برای رعایت این موازین تحت فشار قرار نمی‌دهد. آمریکایی‌ها قوانین شناخته شده بین‌المللی را فقط برای دیگران تجویز می‌کنند و خود را متعهد به هیچ یک از این قوانین نمی‌دانند. بر اساس همین چهارچوب است که حق توسعه زرادخانه‌های هسته‌ای را برای خود محفوظ دانسته ولی دیگران را موظف به تعهد در برابر پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌کنند. و هر کشوری را که خود بخواهند بی‌اعتنا به قوانین بین‌المللی مورد حمایت تسلیحات اتمی خود قرار می‌دهند. آمریکایی‌ها دم از مبارزه‌ی علیه تروریسم می‌زنند ولی همواره هزینه‌ای از بودجه سالانه کشور خود را صرف اقدامات تروریستی در کشورهای جهان می‌کنند و یا اینکه سخن از خلع سلاح هسته‌ای کشورهای جهان به میان می‌آورند و آن را متضمن صلح و امنیت بین‌المللی می‌شمارند. ولی خود بزرگترین دارنده این سلاح

هستند و گستاخانه‌تر آنکه، صهیونیست‌ها را نیز در تجهیز این سلاح‌ها یاری می‌رسانند. جالب اینجاست که آمریکا با چین سوایقی وقتی سخن از ضرورت حقوق بشر و قانون بین‌المللی به میان می‌آورند، در حقیقت وجدان و شعور جهانی را به تمسخر می‌گیرند. (صادقی و کریمی فرد، 1384، ص 12)

نمودار زیر نمایانگر این مسئله است که واشنگتن پست تا چه حد در این زمینه قلم‌فرسایی کرده است.



جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری صلح طلب، همانند سایر کشورهای صلح دوست، خواهان کاهش تسلیحات در سطح جهان و برچیده شدن سلاح‌هایی است که جز تهدید بشریت و به هدر دادن منابع، سرمایه‌ها و نیروی انسانی ثمری ندارد. جمهوری اسلامی ایران، حامی و پیشرو امحای سلاح‌های کشتار جمعی بوده و تولید و استفاده از این گونه سلاح‌ها را خلاف اصول و اعتقادات خود و کاملاً غیر اخلاقی و غیر انسانی می‌داند. سیاست جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های سلاح‌های کشتار جمعی، حضور و مشارکت فعال در تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با این سلاح‌ها و

امحای آن‌ها بوده است. و با در نظر داشتن این سیاست اصولی، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است تا ضمن پایبندی به تعهدات حقوقی خود، از حقوق مربوطه در زمینه هسته‌ای نیز برخوردار و آن را اعمال نماید. متأسفانه برخی کشورهای انحصار طلب برای این که مانع از گسترش فناوری هسته‌ای در بین سایر کشورها گردند، تلاش کردند تا به بهانه‌های واهی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را در راستای کسب سلاح هسته‌ای جلوه‌گر نمایند. این کشورها در این اقدامات تبلیغی و سیاسی خود به گونه‌ای عمل کردند که واژه انرژی هسته‌ای مترادف سلاح هسته‌ای شده است و این بزرگترین خیانتی است که در حق پیشرفت علم و فناوری و بر سر راه اعمال حقوق مسلم و مشروع کشورها انجام داده‌اند.

ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران همواره صلح‌آمیز بوده و صلح‌آمیز خواهد ماند. همان گونه که مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مکرراً گزارش کرده است، هیچ انحرافی در فعالیتهای هسته‌ای ایران وجود ندارد و تمامی مواد و فعالیتهای هسته‌ای تحت مقاصد صلح‌آمیز قرار دارند. از سوی دیگر با حل و فصل موضوعات باقی مانده با همکاری بیش فعالانه حتی فراتر از تعهدات موجود حقوقی ایران، ضمن تایید اظهارات قبلی ایران تمامی توجیهات و مبانی اقدامات شورای امنیت نیز فروریخته و نشان می‌دهد که قطعنامه این شورا فاقد هر گونه مبانی فنی و حقوقی بوده و ناشی از اهداف سیاسی و مغرضانه چند کشور خاص می‌باشد. اقدامات غیر قانونی شورای امنیت اعتبار این شورا را زیر سوال برده و تمامیت و موقعیت آژانس را که باید تنها نهاد ذی صلاح در خصوص بررسی فعالیتهای هسته‌ای کشورهای عضو باشد، تضعیف می‌کند. موضوع هسته‌ای دارای ابعاد فنی، حقوقی و سیاسی می‌باشد. در بعد فنی، جمهوری اسلامی ایران ضمن اتخاذ رویه‌ای شفاف و همکاری گرایانه با آژانس که منجر به رفع تمامی ابهامات از برنامه هسته‌ای آن شد، همچنین موفق گردید چرخه سوخت هسته‌ای را کامل و بومی نماید. و در فناوری هسته‌ای به نقطه غیرقابل بازگشت برسد.

امروز، ملت ایران فناوری هسته‌ای را در بالاترین سطح ممکن در اختیار دارد. در بعد حقوقی، برخی کشورهای انحصار طلب و زورگو تلاش کردند با استفاده از ابزار حقوقی، مانع بهره‌مندی ایران از انرژی، علوم و فناوری هسته‌ای شوند. اساسنامه آژانس بین‌المللی، پروتکل الحاقی، آیین‌نامه‌ها، مقررات، توافق‌نامه‌های دو جانبه و چند جانبه، اقدامات داوطلبانه و نهادهای بین‌المللی را به عنوان یک مبنا و ابزار حقوقی برای فشار بر ایران مورد استفاده قرار دادند و تلاش کردند که با هیاهوی فراوان، دروغ‌پراکنی‌های گسترده و پیچیده ملت ایران را از حق مسلم خود محروم کنند. جمهوری اسلامی ایران توانست با قدرت منطق و استدلال حقوقی و حل و فصل موضوعات باقی مانده، همه‌ی طرفداری‌های غرب را خنثی کند. در بعد سیاسی نیز این کشورها سعی کردند تا یک اجماع بین‌المللی را علیه ایران شکل داده و از طریق تهدیدها و فشارها و همچنین وارد کردن نهادهایی مانند شورای امنیت در موضوع هسته‌ای، ملت ایران را از فناوری هسته‌ای محروم نمایند و انحصار خود را بر این فناوری حفظ نمایند. در این بعد نیز هیچ‌یک از این گام‌ها با موفقیت همراه نبوده است. موضوع هسته‌ای در سه بعد فنی، حقوقی و سیاسی بسته شده است اینک یکی یا دو کشور هنوز حاضر نیستند. حقایق موجود را بپذیرند، به روحیه خودخواهی و توسعه‌طلبی‌شان بر می‌گردد. آنها بر اساس اطلاعات غلط تصمیماتی گرفته‌اند و باید برای حفظ آبروی خودشان هم که شده رفتار خود را اصلاح نمایند.

باید توجه داشت که فناوری هسته‌ای جزء پیشرفته‌ترین فناوری‌هاست. ورود به این عرصه، راه را برای پیشرفت و توسعه سایر فناوری‌ها هموار می‌سازد. در جهان 12 تا 13 کشور دارای فناوری غنی‌سازی اورانیوم می‌باشند و 5 تا 6 کشور نیز به تولید سوخت هسته‌ای می‌پردازند. جمهوری اسلامی ایران به جمع این کشورهای معدود اضافه شده است و مسلماً این آن چیزی نیست که کشورهای انحصار طلب بتوانند تحمل کنند. تمامی مراحل دستیابی به فناوری هسته‌ای در ابعاد سخت‌افزاری و نرم

افزایی نیز بومی است و با استفاده از توان، امکانات و دانشمندان داخلی و بدون وابستگی به خارج از کشور محقق شده است. نکته مهم این است که ایران در اوج تحریم‌ها به این فناوری پیشرفته دست یافته است، جمهوری اسلامی ایران یک قدرت تاثیر گذار در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است، یک کشور اسلامی که با سیاست‌های استعماری و یک جانبه گرایانه نیز مخالف است. ایران، خواهان حاکمیت عدالت در عرصه بین‌المللی و روابط بین کشورها می‌باشد. و چنین فناوری ایران را به یک الگو برای تمامی کشورهای اسلامی، در حال توسعه و جهان سوم تبدیل می‌کند. در واقع، این دلایلی است که برخی کشورهای معدود با فناوری هسته‌ای در ایران مخالفت می‌کنند. در این راستا، طرح مباحثی چون وجود برنامه سلاح هسته‌ای و یا انحراف و تلاش برای کسب سلاح هسته‌ای در حالی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به صراحت آن‌ها را رد می‌کند، بهانه و دروغ پردازی بیش نیست.

منابع

1. گزارش پژوهشی، (1381). تهدیدها و فرصت‌های محیط خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
2. مایکل دوپس، «اختلاف روسیه و آمریکا بر سر معامله ایران»، ترجمه سیمیندخت فروزان، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 61570، تاریخ 2001/6/15.
3. والتر پینکوس، «سازمان سیا امکان تولید بمب هسته‌ای در ایران را رد نمی‌کند»، ترجمه احمد احمدزاده، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 54324، تاریخ 2001/1/18.
4. نویسنده نامعلوم، «آری، آنها شریر هستند»، ترجمه مهری ملک‌ان، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 64631، تاریخ 2002/2/3.
5. مایکل دوپس، «ماجرای تلاش ایران برای دستیابی به قدرت»، ترجمه فریبا طیب‌نما، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 64815، تاریخ 2001/1/13.
6. رالف ایکیوس، «تهدید واقعی تسلیحات عراق»، ترجمه حسن نورایی، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 72563، تاریخ 2003/6/29.
7. پیتر سیلون، «تلاش بوش برای جلب همکاری و در عین حال تاکید بر مسائل انتقال اسلحه به ایران و جنگ چین»، ترجمه حسن نورایی، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 65881، تاریخ 2002/5/21.
8. وانا پریست، «نیروگاه هسته‌ای در حال ظهور ایران آزمایشی برای آمریکا محسوب می‌شود»، ترجمه سید سعید کوشا، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 66956، تاریخ 2002/7/1.
9. پیتر بیکر، «فشار گروه آمریکایی بر مسکو در رابطه با ایران»، ترجمه: بتول حسینی سعادت، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 67342، تاریخ 2002/7/30.
10. گلین کسلر، «مقامات آمریکا نگران سیاست‌های هسته‌ای ایران»، ترجمه فخریه سندسی، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 69461، تاریخ 2002/12/14.
11. جایی واریک، «خطر تازه ناشی از طرح‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی»، ترجمه حسن نورایی، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 69612، تاریخ 2004/12/24.

12. گلین کسلر، «کمک چین، هند و شرکتهای پوششی به تلاش بمب هسته‌ای ایران»، ترجمه حسن نورایی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 69613، تاریخ 2002/12/19.
13. پیترو اسلوین، «نگرانی ایالات متحده آمریکا از هدف‌های هسته‌ای ایران»، ترجمه فخریه سندسی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 70406، تاریخ 2003/2/11.
14. گلین کسلر، «گروه معارض ایرانی در افتتاح سیاست جدید هسته‌ای در ایران شد»، ترجمه علی شادروح، روزنامه واشنگتن پست، شماره 70573، تاریخ 2003/2/20.
15. رای تاکه، «کسانی که در مورد برنامه هسته‌ای ایران تردید دارند»، ترجمه: فخریه سندسی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 71390، تاریخ 2003/4/25.
16. نویسنده نامعلوم، «چالش ایران»، ترجمه فخریه سندسی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 72009، تاریخ 2003/5/29.
17. نویسنده نامعلوم، «گفتگوی رسانه‌ای رئیس‌جمهور بوش و رئیس‌جمهور روسیه»، ترجمه فخریه سندسی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 72067، تاریخ 2003/6/1.
18. پیترو بیکر، «فشار روس‌ها بر ایران بابت تسلیحات»، ترجمه: حسن نورایی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 7228، تاریخ 2003/6/5.
19. دیوید هافمن، «روسیه از قانون آمریکایی که تامین بودجه ایستگاه فضایی بین‌المللی را به سیاست روسیه در قبال ایران پیوند داده انتقاد می‌کند»، ترجمه: محمدعلی شیخ علیان، روزنامه واشنگتن پست، شماره 55288، تاریخ 2000/3/15.
20. والتر پینکوس، «روسیه: معامله لیزری با ایران متوقف شد»، ترجمه: مهری قزوینی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 57941، تاریخ 2000/9/20.
21. مارک رثول گرش، «ایران و بمب»، ترجمه سید محمود میرمیران، روزنامه واشنگتن پست، شماره 58309، تاریخ 2000/10/30، لازم به ذکر است که روثل مارک گرش، نویسنده این مقاله یک کارشناس پیشین منطقه خاورمیانه در سازمان «سیا» است.
22. ماتئو ویبا، «حزب جمهوریخواه از پیمان تسلیحاتی 1995، برای حمله به گور استفاده می‌کند»، ترجمه مهری قزوینی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 58333، تاریخ 2000/10/25.

- 23 دیوید هوفمن، «بی‌اعتنائی روسیه به تهدید اعمال تحریم از سوی آمریکا»، ترجمه فاطمه زینلی، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 58668، تاریخ 2000/11/24
- 24 لیپمن دلبیو، «تحریم سه موسسه روسی»، ترجمه احمد احمدزاده، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 48940، تاریخ 1999/1/13.
- 25 دیوید هافمن، «نقش فزاینده روسیه در احداث نیروگاه اتمی»، ترجمه احمد احمدزاده، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 44929، تاریخ 1998/2/22.
- 26 والتر پینکوس، «ایران ممکن است به زودی از توان و قابلیت موشکی بهره‌مند شود»، ترجمه مهری ملکان، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 46741، تاریخ 1998/7/24.
- 27 والتر پینکوس، «آزمایشگاه‌های موشکی زیرزمینی، تجسس ماهواره‌های آمریکا را بی‌اثر می‌کنند»، ترجمه فرانک پیروزر، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 46770، تاریخ 1998/7/29.
- 28 هلن دوار، «اتحاد مجلس نمایندگان و سنا در تصویب لایحه تحریم روسیه - ایران»، ترجمه عماد حاجی مرادی، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 46821، تاریخ 1998/6/10.
- 29 استیون مافسون، «شکست مبارزه، برای کنترل تسلیحاتی»، ترجمه علیرضا کاربخش، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 52074، تاریخ 1999/7/17.
- 30 استیون جافیسون، «روسیه و آمریکا از سر گرفتن گفتگوهای کنترل تسلیحاتی»، ترجمه سیمیندخت فروزان، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 5144، تاریخ 1999/7/28.
- 31 والتر پینکوس، «ایران و عراق می‌توانند به تهدیدی موشکی علیه آمریکا تبدیل شوند»، ترجمه سید سعید کوشا، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 52159، تاریخ 1999/9/10.
- 32 لیپمن دلبیو توماس، «ایران اتهام تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را تکذیب کرد»، ترجمه فاطمه زینلی، روزنامه واشنگتن‌پست، شماره 23491، تاریخ 1995/5/16.
- 33 جفری آر. اسمیت، «تعهد چین در مورد پایان دادن به کمک‌های هسته‌ای به

- ایران منجر به برقراری کمک آمریکا به چین می‌گردد»، ترجمه صابر قلی‌زاده، روزنامه واشنگتن پست، شماره 43337، تاریخ 1997/10/3.
34. جفری. آر. اسمیت، «محدودیت مناسبات با ایران، راهگشای چین در خرید راکتورهای آمریکایی است»، ترجمه منیر علیزاده، روزنامه واشنگتن پست، شماره 43340، تاریخ 1997/10/25.
35. جان لنکستر، «ایالات متحده مجازات‌های مربوط به گسترش سلاح‌های هسته‌ای را در مورد چین معوق می‌گذارد»، ترجمه مهری قزوینی، روزنامه واشنگتن پست، شماره 59095، تاریخ 2000/11/22.
36. جابی ماریک، «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وابسته به سازمان ملل متحد می‌گوید که ایران مفاد قراردادهای منعقد شده در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای را نقض کرده است»، ترجمه مهری ملک‌ان، روزنامه واشنگتن پست، شماره 72279، تاریخ 2003/6/7.
37. مایکل دایز، «ایران از بابت برنامه اتمی خود تحت فشار است»، ترجمه احمد احمدزاده، روزنامه واشنگتن پست، شماره 72690، تاریخ 2003/6/17.
38. نویسنده نامعلوم، «سخن درباره انقلاب»، ترجمه مهری ملک‌ان، روزنامه واشنگتن پست، شماره 72353، تاریخ 2003/6/17.
39. کلی کوتوریو، «ترکیه مصمم است نیازهای نفتی خود را برآورده کند»، ترجمه مسعود پاک‌نظر، روزنامه واشنگتن پست، شماره 43173، تاریخ 1997/10/20.
40. توماس دبلیو. لیمن، «آمریکا معامله ترکیه در زمینه گاز با تهران را تقبیح می‌کند»، ترجمه بتول حسینی سعادت، روزنامه واشنگتن پست، شماره 36679، تاریخ 1996/8/13.
41. جان لنکستر، «علیرغم تحریم تجاری هنوز هم کالاهای آمریکا به بازارهای ایران روانه می‌شوند»، ترجمه فاطمه زینلی، روزنامه واشنگتن پست، مقاله اول، شماره 24191، تاریخ 1995/6/26.
42. علی سپهراد، «روحانیون ایران خطرناک‌تر از همیشه»، ترجمه سیمیندخت فروزان، روزنامه واشنگتن پست، شماره 49195، تاریخ 1999/1/29.